



واکاوی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری و فارسی در ایران از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

سپیده محمدی جوزانی^۱ / روبا صدیق ضیابری^۲

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۶

(صص ۱۱۳-۱۳۹)

ضرب‌المثل‌های متعددی درباره زن و جایگاه او در خانه و جامعه وجود دارد که با مطالعه و بررسی آن‌ها می‌توان جایگاه فرهنگی و اجتماعی زنان در دیروز و امروز را شناخت. این مقاله در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی براساس الگوی فرکلاف به تحلیل انتقادی گفتمان ضرب‌المثل‌های زبان ترکی آذری و فارسی در خصوص جایگاه زن می‌پردازد. پیکره مورد بررسی شامل ۲۲۰ ضرب‌المثل ترکی آذری و ۴۸۵ نوع ضرب‌المثل فارسی با موضوعیت جنسیت (زن) است که به‌صورت هدفمند از کتب (افشار، ۱۳۹۶)، رحیمی نیا (۱۳۹۵) و حقیقت سمنانی (۱۴۰۰) جمع‌آوری شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و دارای مؤلفه‌های کیفی و رویکرد کمی است. برای مؤلفه‌های کیفی پژوهش از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی و مفاهیم کلیدی آن، آمارهای ارائه شده به صورت دستی و توسط نمونه‌های جمع‌آوری شده، انجام شده و برای محاسبه میزان به‌کارگیری هر یک از مفاهیم و تحلیل آماری پیکره از نرم‌افزار اکسل و نمودارهای آن استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با طرح و تأکید بر برخی از ویژگی‌های مختص به زنان، جایگاه زن از بعد جنسیت در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری بیشتر از نوع خنثی بوده ولی در ضرب‌المثل‌های فارسی در اکثر موارد منفی است. در مجموع تعداد ضرب‌المثل‌های ترکی آذری با ۴۴/۶۳٪ و در ضرب‌المثل‌های فارسی (۶۳/۴۱٪) مربوط به جایگاه زن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد فرکلاف، جنسیت، ضرب‌المثل ترکی آذری و فارسی، جایگاه زن.

^۱ دانشجوی دکتری زبان شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

tmu.mohammadi@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

ro.sedigh@iau.ac.ir

مقدمه

پل ارتباطی بین انسان‌ها در همه زبان‌ها نخست آواها، واژگان و جملاتی‌اند که در خود، بازتاب فرهنگ و جهان‌بینی ملت‌ها را نمایان می‌سازند. «دو ویژگی خاص و منحصر به فرد زبان، یعنی عبارت‌پردازی و چینش واژگان در کنار هم، باعث به وجود آمدن یک‌بار معنایی ویژه‌ای می‌شود که درک معنا نه فقط برای فراگیران یک زبان بلکه برای صاحبان آن زبان مشکل و یا حتی غیرممکن می‌شود. ضرب‌المثل‌ها نیز که از ویژگی‌های فرهنگی و زبانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و ریشه در آداب و سنن دارند، از این قاعده مستثنا نیستند. علیرغم تمایزات فرهنگی برخی از ضرب‌المثل‌ها دارای تشابهاتی در زبان‌های مختلف هستند.» (فیض‌الهی، ۱۳۹۸: ۵۶۵)

گفتمان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج یکی از انواع گفتمان در هر زبان است که از دیدگاه زبان‌شناختی و جامعه‌شناسی فرهنگ بنیاد است. ضرب‌المثل‌ها یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که در شناخت زیرساخت‌های فرهنگی اقوام به کار گرفته می‌شوند. تغییرات تاریخی یک فرهنگ را می‌توان با مطالعه و بررسی ضرب‌المثل‌های آن شناخت. ضرب‌المثل‌های متعددی درباره زن و جایگاه او در خانه و جامعه وجود دارد که با مطالعه و بررسی آن‌ها می‌توان جایگاه فرهنگی و اجتماعی زنان در دیروز و امروز را شناخت، زیرا ضرب‌المثل‌ها از کوچک‌ترین انواع ادبی به شمار می‌آمده و حقایق فرهنگی و تاریخی بسیاری را بر ما آشکار می‌سازند. پرداختن به جنبه‌های گوناگون ضرب‌المثل‌ها می‌تولند افق‌های جدید و ابعاد تازه‌تری را به‌روی پژوهشگران بگشاید و سبب شود تا به این ثروت عظیم ملی تنها به چشم آثار ادبی نگریسته نشود (فاطمی، ۱۳۹۰: ۱۲).

این مقاله با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی درصدد کشف معنای پنهان در واژگان و ساخت نحوی ضرب‌المثل‌ها بوده و نشان می‌دهد که چگونه ضرب‌المثل‌ها روابط قدرت در زبان را بیان کرده و کاربرد آن‌ها نابرابری جنسیتی در جامعه را تقویت نموده و تداوم می‌بخشد. اعمال قدرت لزوماً همیشه همراه با خشونت نیست، با کاربرد زیرکانه زبان نیز می‌توان به این هدف دست یافت. جنسیت‌زدگی اندیشه‌ای است که انسان‌ها را براساس جنسیت طبقه‌بندی می‌کند. تأثیرات مخربی که جنسیت‌زدگی بر جنس ضعیف و حتی بر کل اجتماع برجای می‌گذارد، یکی از دلایل مهم بررسی جایگاه زن در این مقله می‌باشد و چگونگی بازنمایی جایگاه زن در گفتمان ضرب‌المثل و نوع نگاه به زن در این گفتمان از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به اهمیت و کاربرد ضرب‌المثل‌ها در ایران و با توجه به اینکه تاکنون مقاله‌ای به‌صورت تطبیقی به تحلیل گفتمان انتقادی ضرب‌المثل‌های ترکی آذری و فارسی چگونگی

بازنمایی جنسیت به‌طور کلی و زنان به‌طور خاص در این دو گونه زبانی نپرداخته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

- با توجه به موضوعات یادشده، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:
- بازنمایی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های زبان ترکی آذری و فارسی به چه صورت است؟
- شباهت‌ها و تفاوت‌های بین ضرب‌المثل‌های ترکی آذری و فارسی از نظر بازنمایی هویت زن چگونه است؟

۱. چارچوب نظری

۱-۱. تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان در پی کشف آن است که کارکردهای اجتماعی که مختصات آن در رابطه‌های زیرین گفتمان لایه گرفته‌اند، چگونه در گفتمان در لایه‌های زیرین تصویرسازی یا بازنمایی شده‌اند. تعاریف متعددی از گفتمان در حوزه‌های مختلف ارائه شده است، به‌عنوان مثال در زبان‌شناسی ساخت‌گرا و نقش‌گرا گفتمان به واحد زبانی بالاتر از جمله یا زبان به هنگام کاربرد گفته می‌شود، بنابراین کوچک‌تر از زبان است. اما براساس دیدگاه پساساختارگرا و آراء میشل فوکو گفتمان نظامی به‌مراتب بزرگ‌تر از زبان بوده که برای رسیدن به قدرت، همه پدیده‌های اجتماعی از جمله زبان را تحت اختیار خود قرار می‌دهد. بنابراین این گفتمان است که چگونگی کاربرد زبان را تعیین می‌کند. حال آنکه تحلیل زبان بدون توجه به کارکردهای ارتباطی آن ممکن نیست. بدین ترتیب تحلیل گفتمان با هدف تحلیل زبان با تمرکز بر صورت‌های زبانی و بافت (منظور بافت در معنای محدود آن یعنی محیط بلافصل، گوینده، دانش پس‌زمینه) شکل گرفت؛ اما در این نوع تحلیل، به بافت‌های وسیع‌تر از جمله بافت فرهنگی و اجتماعی کاربرد زبان که جنبه ایدئولوژیک دارند، توجهی نمی‌شود. به این منظور تحلیل گفتمان انتقادی برای فراتر رفتن از توصیف صرف زبانی، مفاهیمی از قبیل قدرت و ایدئولوژی را برای دستیابی به تبیین زبانی وارد تحلیل زبانی می‌نماید که در بخش روش پژوهش به آن پرداخته شده است.

۲-۱. رویکرد فرکلاف

رویکرد این مقاله تحلیل انتقادی گفتمان است روشی که در کشف نابرابری‌ها، جهان‌بینی و بار ایدئولوژیک متن کارآمد می‌باشد. در این روش با ابزاری زبان‌شناختی می‌توان، با نگاه به زمینه فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیکی، لایه‌های زیرین متن را بالا آورد و در معرض نگاه گذاشت که در این زمینه، رویکردهای مختلفی وجود دارد و اما هدف این مقلله استفاده از رویکرد نورمن فرکلاف است. رویکرد فرکلاف^۱ یک الگوی سه بعدی است که می‌توان گفت دارای چارچوبی تحلیل برای تحقیق‌های تجربی در خصوص ارتباطات و جامعه می‌باشد. از نظر فرکلاف زبان، کرداری اجتماعی است. این تفکر در بردارنده چند مفهوم ضمنی است.

۱- زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست.

۲- زبان فرآیندی اجتماعی است.

۳- زبان فرآیند مشروط اجتماعی است، یعنی مشروط است به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۲).

فرکلاف رویکرد خود را در حوزه گفتمان، «مطالعه انتقادی» می‌نامد. وی هدف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی را تبیین می‌داند که با اهداف تحلیل گفتمان توصیفی که اصولاً غیرتبیینی است، متفاوت می‌باشد. از مبانی این نظریه می‌توان کنش‌های اجتماعی، ساختارهای اجتماعی، پیش‌فرض‌ها، رویدادها، ایدئولوژی، دانش زمینه‌ای و طرح‌واره‌های ذهنی را نام برد. در مدلی که فرکلاف برای تحلیل گفتمان ارائه می‌کند سه سطح وجود دارد.

- سطح اول: گفتمان به مثابه متن (مرحله توصیف). در این مرحله، مقوله زبانی گفتمان خارج از زمینه بررسی می‌شود.
- سطح دوم: گفتمان به مثابه تعامل میان فرآیند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر). در مرحله دوم به روابط میان روندهایی پرداخته می‌شود که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شوند و شامل دانش زمینه‌ای تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است.
- سطح سوم: که سطح کلان شمرده می‌شود گفتمان به مثابه زمینه است (مرحله تبیین). در مرحله سوم، گفتمان به عنوان جزیی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌شود.

¹ Fairclough

در انتها، فرکلاف دو هدف عمده را در تحلیل انتقادی گفتمان مطرح می کند، اولین هدف کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت بوده و دومین هدف کمک به افزایش آگاهی نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد، می باشد. این مقاله که مبتنی بر گفتمان ضرب المثل ها می باشد در تلاش برای حفظ هر دو هدف فرکلاف می باشد.

۲. تعاریف

۲-۱. ضرب المثل

ضرب المثل ها نمونه ای از الگوهای کاربرد زبان می باشند و مانند دیگر الگوهای زبان و رفتارهای اجتماعی به صورت امری عادی درآمده اند. بدون اینکه بر چند و چون ضرب المثل ها آگاهی داشته باشیم، هر روز در موقعیت های ارتباطی گوناگون به کار برده می شوند. در ضرب المثل ها به عنوان شکلی از ادبیات عامه، انسان موضوعی اصلی بوده و تمامی موضوعات آن حول انسان و زندگی او و به طور کلی چگونگی حضور وی در جهان می باشد. در برخی موارد این ضرب المثل ها هستند که حقایق فرهنگی و تاریخی را بر ما آشکار می سازند. به دلیل پندآمیز بودن و اهمیت ضرب المثل ها در بسیاری از موارد، افراد جامعه از آن ها به عنوان دلیل انجام یا عدم انجام کاری استفاده می کنند.

ضرب المثل ها جزئی از ادبیات شفاهی بوده و موضوعات آن ها، منحصر به فرهنگ جامعه ای می باشد که از دل آن برخاسته است. ادبیات شفاهی ویژگی های خاص خود را دارد که از آن جمله می توان به بدوی بودن آن از جهت اصول فنی، خیال پردازانه بودن آن از جهت منطق هنری اشاره نمود. در این گونه ادبیات، واقعیت به شکل کنایه آمیز و یا اغراق آمیز منعکس می شود و پدیدآورندگان این نوع ادبیات غالباً گمنام هستند. به طور کلی بررسی ادبیات شفاهی به ویژه ضرب المثل های یک جامعه در واقع بررسی باورها، اعتقادات، هنجارها، آداب و سنن آن جامعه می باشد، زیرا که ضرب المثل ها در جریان زندگی بوجود آمده و برخاسته از تجربه های افراد آن جامعه اند و با مطالعه آن ها می توان به ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه پی برد. با وجود اینکه زبان به خودی خود یک مقوله مهم و تأثیرگذار در مطالعات فرهنگی به شمار می رود، اما در مقایسه با خود فرهنگ، به عنوان یک زیرمجموعه مطرح می شود. زبان در بستر فرهنگ شکل می گیرد و فرهنگ نیز در زبان بازتاب می یابد. همان طور که گفته شد

ضرب‌المثل‌ها از جمله عناصری هستند که فرهنگ یک جامعه را در زبان منعکس می‌کنند و در بردارندهٔ مناسبات جامعه (مانند مذهب، قومیت، جنسیت، طبقه و ...) هستند. از طرفی موضوع فعالیت‌های گروه‌های مختلف از جمله جنبش‌های آزادی زنان هستیم که سعی در آشکارسازی منشأ تحقیر علیه زنان و همچنین خطرات این نوع تحقیر دارند. اما با وجود این هنوز در بعضی از جوامع شاهد نابرابری بین این مقاله جنسیت می‌باشد، به‌خصوص اینکه زن در جامعه به چه شکل در ضرب‌المثل‌ها به تصویر کشیده شده‌است. در چند سال اخیر علیرغم حکیمانه بودن بسیاری از مثل‌ها، گاهی مشاهده می‌شود که اندیشه‌ای که در پس این ضرب‌المثل‌ها وجود دارد، درست نبوده و چه بسا کاربرد این‌گونه ضرب‌المثل‌ها مخاطبان را نیز گمراه کند. به عنوان مثال «خواب زن چپ است» و یا «شوهر خدای کوچک زن است» از جمله ضرب‌المثل‌هایی هستند که تحقیر زنان در آن‌ها به خوبی مشاهده می‌شود. از آنجایی که جنسیت یکی از عوامل شکل‌دهندهٔ هویت است، بنابراین مطالعهٔ ارتباط بین زبان و جنسیت اهمیت خاصی پیدا می‌کند. تبعیض و تفاوت بین دو جنس در برخی از ضرب‌المثل‌ها به وضوح دیده می‌شود. این تبعیض می‌تواند محصول باورها و برداشت‌های اجتماع از مقولهٔ جنسیت باشد. این‌گونه باورها، پیامدهایی را به همراه خواهد داشت که یکی از آن‌ها کم‌ارزش و یا حتی ناچیز شمردن یکی از دو جنس و بیشتر جنس مونث می‌باشد. در چنین اجتماعی نمی‌توان انتظار داشت که نگرشی یکسان به زن و مرد به عنوان دو موجود هم‌ارزش وجود داشته باشد.

۲-۲. جنسیت

جنسیت یکی از مهم‌ترین بخش‌های هویت است که به‌طور اکتسابی و در دورهٔ کودکی در انسان شکل می‌گیرد. جنسیت با روش‌های مختلفی در ادبیات بازتاب یافته است که از آن جمله می‌توان به چگونگی معرفی نقشه‌های مرد و زن، تعامل این دو با یکدیگر و نمادهای به کار رفته برای توصیف ویژگی‌های هر یک از این دو جنس اشاره نمود.

۲-۳. بازنمایی

بازنمایی یکی از مفاهیم بنیادی در مطالعات زبانی بشمار می‌رود و در واقع راه و روشی است که به کمک آن واقعیت‌های بیرونی نشان داده می‌شوند. استوارت هال معتقد است که ما جهان را از طریق بازنمایی ساخته و بازسازی می‌کنیم. این بازنمایی می‌تواند به‌صورت نوشتار، گفتار و یا حتی تصویر باشد. نکته قابل توجه در امر بازنمایی این است که بازنمایی هرگز نمی‌تواند تمام واقعیت بیرونی را به نمایش گذارد و تنها بخشی از واقعیت به تصویر کشیده می‌شود. وی بازنمایی را مبتنی بر گفتمانی می‌داند که مولد نوع خاصی از دانش و معرفت است و بر آن

اساس مبادرت به تولید معنا می‌کند. از نظر او بازنمایی امری طبیعی و ذاتی نیست، بلکه بر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی، زبانی و گفتمانی مبتنی است. همچنین، علائم و نشانه‌های زبانی که بازنمایی به‌واسطه آن‌ها صورت می‌گیرد، بی‌طرف نیستند؛ بلکه بر گفتمان و مناسبات و روابط قدرت دلالت می‌کنند. در این مقاله، از زبان به‌عنوان ابزار بازنمایی واقعیت زن در قالب ضرب‌المثل استفاده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

در این قسمت، تحقیقات انجام گرفته در راستای موضوع پژوهش به ترتیب در خصوص تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، جنسیت و ضرب‌المثل در دو بخش مطالعات ایرانی و غیرایرانی معرفی می‌شوند.

۳-۱. مطالعات ایرانی

(زارعی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۴۱) بیان می‌دارند که در مطالعه رابطه بین زبان و جنسیت، بحث گسترش ایدئولوژی‌های جنسیتی از طریق زبان گفتار یکی از موضوعات مهم این حوزه می‌باشد. مطالعات حوزه زبان و جنسیت به دو گونه مختلف به شرح ذیل تقسیم می‌شود: مطالعاتی که به بررسی تفاوت سبک‌های گفتاری بین زنان و مردان می‌پردازند. مطالعاتی که به چگونگی بازنمایی مقوله جنسیت در زبان و دیدگاه‌های ارزشی مرتبط با آن می‌پردازند.

در این مقاله تمرکز اصلی بر روی مطالعات نوع دوم بوده و بنابراین اعتقاد بر این خواهد بود که مقوله جنسیت مسأله‌ای فرهنگی است و توسط زبان تولید، منتقل و درک می‌شود. به عبارت دیگر، جنسیت‌گرایی زبانی در زبان‌های فارسی و ترکی آذری مورد بررسی قرار گرفته و از فرهنگ ضرب‌المثل، به‌عنوان محمل ردیابی و تشخیص جنسیت‌گرایی استفاده خواهد شد. (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳) معتقدند زنان در جوامع گوناگون و براساس فرهنگ، نحوه زندگی و باورهای دینی در قالب‌های مختلفی شکل گرفته‌اند که به این قالب‌ها کلیشه‌های جنسیتی گفته می‌شود که تصویر ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان است.

(رضاپور، ۱۳۹۹: ۵۴۴) می‌نویسد رابطه میان زبان و جنسیت (زبان‌شناسی جنسیت) یکی از موضوعات مطرح در جامعه‌شناسی زبان می‌باشد که در آن متغیر جنسیت و تأثیر آن بر ایجاد تنوعات زبانی مورد بررسی و آنالیز قرار می‌گیرد. گفتمان جنسیتی حاکم در هر جامعه‌ای متأثر

از عوامل گوناگونی چون فرهنگ، گذشته تاریخی، شیوه زندگی، ایدئولوژی، اقتصاد و شکل حکومتی می‌باشند. این گفتمان خود را در ابعاد گوناگون فرهنگ آن جامعه، از جمله ضرب‌المثل‌ها، ادبیات شفاهی، موسیقی، اصطلاحات، چیستان‌ها، لالایی‌ها، باورها و اعتقادات، فرهنگ‌نام‌ها و غیره نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر نوع نگاه به زنان و بازتاب آن در جوامع مختلف مورد توجه قرار گرفته است که بحث قدرت و محوریت زنان از جمله این موضوعات می‌باشد.

(فروتن، ۱۳۹۹: ۹۹) می‌گوید براساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های مختص به خود هستند، که منجر به انجام کارهای متفاوت می‌شود، زنان، به مثابه بخش قابل توجهی از اجتماع، سهم غیرقابل انکاری در فرهنگ دارند. برای شناخت هر پدیده و عنصر باید رویکرد جامعه را نسبت به آن پدیده مورد بررسی قرار داد. زن صرفاً به واسطه صفات بیولوژیک خود، زن به شمار نمی‌آید، بلکه زن و زنانگی، عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ و رویکرد جامعه نسبت به وی است. به عبارت دیگر، زن با توجه به باورها و اخلاقیات اجتماع و نیز قوانین و رسوم حاکم بر آن، به قلب زن درمی‌آید و طبعاً زن در اقوام و ملل مختلف، جایگاه، نقش و قالب متفاوت و ویژه همان قوم را دارد.

(صادقی، ۱۳۹۲: ۴۵۰) می‌نویسد جنسیت در آموزه‌های اخلاقی مقوله‌ای است که بر مبنای آن، تنظیم روابط فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد و از این رو با مناسبات قدرت در حوزه خصوصی و اجتماعی پیوندی نزدیک دارد و شکل‌گیری روابط قدرت مبتنی بر جنسیت، با تحولی در آگاهی‌ها و باورها همراه بوده است.

ذوالفقاری (۱۳۸۶: ۲۹) معتقد است که ضرب‌المثل‌ها از نظر کارکرد اجتماعی مانند عرف جامعه، بیانگر رفتار بهنجار و ارزش‌های اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند، با وجود این، ضرب‌المثل‌ها قوانین اجتماعی به شمار نمی‌روند. ضرب‌المثل‌ها صرفاً بیانگر کنش‌های رفتاری و ارزش‌های اجتماعی خاص مورد قبول جامعه‌اند.

۲-۳. مطالعات غیرایرانی

از دیدگاه کریستال^۱ (1987: 36) ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاهی هستند که در قالب کلیشه و طرح‌واره‌های ذهنی پیش‌ساخته در پیکره هر زبان به منزله راهنمای مفاهیم فرهنگی هستند.

^۱ Crystal

همچنین، این گونه زبانی منسوب به میراث فرهنگی هر ملت است و در میان آحاد مردم طی سال‌های متمادی شکل گرفته و به کار رفته است.

هانک^۱ (4: 1997) بیان می‌کند که ضرب‌المثل‌ها تاریخی طولانی و گوناگون در ادبیات و فرهنگ دارند. وی به بررسی ریشه‌ای نظریه‌های موجود در زمینه منشاءهای ضرب‌المثل‌ها می‌پردازد. او به جایگاه و نقش کلیشه‌های جنسیتی در ضرب‌المثل‌ها اشاره‌ای نکرده است.

۴. گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

۴-۱. گفتمان

تحلیل گفتمان در پی آن است که کشف کند کارکردهای اجتماعی که مختصات آن در رابطه‌های زیرین گفتمان لایه گرفته‌اند، چگونه در گفتمان در لایه‌های زیرین تصویرسازی یا بازنمایانده شده‌اند. تعاریف متعددی از گفتمان در حوزه‌های مختلف ارائه شده است، به عنوان مثال در زبان‌شناسی ساخت‌گرا و نقش‌گرا گفتمان به واحد زبانی بالاتر از جمله یا زبان به هنگام کاربرد گفته می‌شود. بنابراین کوچکتر از زبان است. اما براساس دیدگاه پساساختارگرا و آراء میشل فوکو گفتمان نظامی به مراتب بزرگتر از زبان بوده که برای رسیدن به قدرت، همه پدیده‌های اجتماعی از جمله زبان را تحت اختیار خود قرار می‌دهد. بنابراین این گفتمان است که چگونگی کاربرد زبان را تعیین می‌کند. با توجه به اهداف این مقاله تعریف دیگری نیز وجود دارد که به صورت زیر است:

حال آنکه تحلیل زبان بدون توجه به کارکردهای ارتباطی آن ممکن نیست. بدین ترتیب تحلیل گفتمان با هدف تحلیل زبان با تمرکز بر صورت‌های زبانی و بافت (منظور بافت در معنای محدود آن یعنی محیط بلافصل، گوینده، دانش پس زمینه) شکل گرفت. اما در این نوع تحلیل، به بافت‌های وسیع‌تر از جمله بافت فرهنگی و اجتماعی کاربرد زبان که جنبه ایدئولوژیک دارند توجهی نمی‌شود؛ به این منظور تحلیل گفتمان انتقادی برای فراتر رفتن از توصیف صرف زبانی، مفاهیمی از قبیل قدرت و ایدئولوژی را برای دستیابی به تبیین زبانی وارد تحلیل زبانی می‌نماید که در بخش روش پژوهش به آن پرداخته شده است.

^۱ Honeck

۵. روش پژوهش

نظام ارزش‌های هر جامعه، در گفتمان آن جامعه و در متون ادبی و حتی غیرادبی تکرار می‌شود؛ بنابراین با بررسی ضرب‌المثل‌ها نیز می‌توان به درک روشن‌تری از ارزش‌های آن جامعه دست پیدا کرد. جنسیت‌زدگی اندیشه‌ای است که انسان‌ها را براساس جنسیت طبقه‌بندی می‌کند. تأثیرات مخربی که جنسیت‌زدگی بر جنس فرودست و کل اجتماع برجای می‌گذارد، یکی از دلایل مهم بررسی جنسیت‌زدگی می‌باشد. در این مقاله سعی شده‌است که ضرب‌المثل‌ها با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی شود. چگونگی بازنمایی زن در گفتمان ضرب‌المثل و نوع نگاه به زن در این گفتمان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در نتیجه این مقاله، پژوهشی کیفی از نوع تحلیل گفتمان بوده و با استفاده از رویکرد فرکلاف به بررسی روابط قدرتی که در ضرب‌المثل‌ها هستند، می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان انتقادی این است که تلاش می‌کند معانی دیگری به غیر از آنچه در کانون توجه قرار دارد از داده‌ها بیرون کشیده شود.

جامعه آماری این تحقیق ضرب‌المثل‌های ترکی و ضرب‌المثل‌های فارسی با موضوعیت زن است که به صورت هدفمند از کتب افشار (۱۳۹۶)، رحیمی‌نیا (۱۳۹۵) و حقیقت سمنانی (۱۴۰۰) جمع‌آوری شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و دارای مؤلفه‌های کیفی و رویکرد کمی است. هدف از ارائه این مقاله بررسی و تحلیل بازنمایی جایگاه زن در زبان‌های ترکی آذری و فارسی می‌باشد. لازم به ذکر است که به‌صورت کلی ۲۲۰ ضرب‌المثل ترکی آذری و ۴۸۵ نوع ضرب‌المثل فارسی جمع‌آوری شده است.

برای تحلیل، در ابتدا تمام ضرب‌المثل‌هایی که به نوعی به زن مربوط می‌شدند، جمع‌آوری شد که در بعضی از ضرب‌المثل‌ها واژه زن و مشابه آن مانند دختر، مادر، مادر شوهر و غیره نیز به‌صورت مستقیم به کار رفته است. در برخی دیگر اشاره به جنس زن به‌صورت غیرمستقیم و با یک سری استعاره‌ها و اصطلاحات همراه است. و این موارد بیشتر در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری به چشم می‌خورد. پس از جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها، چگونگی جایگاه زن در هر ضرب‌المثل در یک طیف چهار گزینه‌ای مثبت، منفی، مثبت/منفی و خنثی مشخص و انتخاب شد.

- بازنمایی مثبت، در آن دسته از ضرب‌المثل‌ها نمود پیدا می‌کند که تصویری که از جنس مونث ارائه می‌شود، مثبت است.
- بازنمایی منفی نقطه مقابل بازنمایی مثبت می‌باشد؛ به این معنی که در این‌گونه ضرب‌المثل‌ها با توصیف‌هایی منفی از ویژگی‌های زن روبه‌رو هستیم.

- بازنمایی مثبت/منفی به آن دسته از ضرب المثل ها اشاره دارد که در آن ها زن به عنوان موجودی با ویژگی های دوگانه و متضاد معرفی و توصیف می شود.
- در بازنمایی خنثی هیچ گونه داوری و ارزش گذاری در مورد زن دیده نمی شود. اغلب در این گونه ضرب المثل ها واژه ای که بر جنس مونث دلالت داشته باشد به کار رفته، اما در واقع موضوع ضرب المثل چیز دیگری است.

برای دستیابی به نتایج دقیق تر و اطمینان از معنا و مفهوم هر کدام از ضرب المثل های ترکی آذری به ۸ نفر از گویشوران ترکی آذری (دبیر ادبیات) و همچنین به ۳ نفر گویشور فارسی (دبیر فارسی) مراجعه شده است که اکثراً جواب های مشابهی ارائه نمودند. در مواردی که تفاوت آراء وجود داشت، اکثریت آراء، ملاک درستی معنا قرار گرفته است. بعد از مشخص کردن نوع بازنمایی، در الگوی فرکلاف، ابتدا نظم های گفتمان از طریق بررسی اولیه ضرب المثل ها شناسایی و سپس این نظم های گفتمانی در سه مرحله تجزیه و تحلیل شدند. در سطح توصیف به ویژگی های زبان متن می پردازیم. این ویژگی های زبانی در دو سطح واژگان و نحو بررسی شدند. در سطح تفسیر به تحلیل متن براساس آنچه در سطح توصیف بیان شده و با در نظر گرفتن عوامل بینامتنی، بافت موقعیت و مفاهیم می پردازیم. در سطح سوم تأثیر ساختارهای اجتماعی (مناسبات قدرت) بر شکل گیری گفتمان و بالعکس را بیان می کنیم. در نهایت پژوهشگر برای افزایش صحت یافته ها (روایی کیفی) از طریق جلسات مداوم در طی مراحل گردآوری داده ها، تعیین نوع بازنمایی و تجزیه و تحلیل بازنمایی ها از نظرات دو استاد نیز بهره مند شده است.

۶. تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها، ابتدا ضرب المثل های مرتبط گردآوری و سپس براساس الگوی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین به تحلیل داده ها پرداخته شد.

۶-۱. تحلیل ضرب المثل ها و اصطلاحات در سطح توصیف

ساختارهای گفتمان مدار^۱ جامعه شناختی اند که به کار گرفتن یا به کار نگرفتنشان یا تغییر و تبدیلیشان به صورت دیگر در گفته یا متن باعث می شود از آن گفته، برداشت های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود یا عکس، متن صراحت بیشتری یابد و بخشی از گفته برجسته شود

^۱ Structures Discursive

و بخش دیگر در حاشیه قرار گیرد (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۸)، بنابراین واژه‌ها از جمله ساختارهای گفتمان‌مدار به شمار می‌روند. ساختارهای گفتمان‌مدار در گفتمان ضرب‌المثل‌های مختص زنان عبارتند از اسامی خاص، القاب و صفات، شغل‌واژه‌ها، افعال و سایر واژه‌های مرتبط با زن، واژه‌های خویشاوندی و دشواژه‌ها.

جدول ۱. دسته‌بندی واژه‌های مربوط به زنان در دو فرهنگ

اسامی خاص	دول آرواد ائوده اوتورماز (زن بیوه خونه‌نشین نمی‌شود)
القاب و صفات	گزه گن قیزدان گلین اولماز (از دختری که بیرون‌گرد است، عروس در نمیاد)
شغل‌واژه‌ها	آرواد شیطانا بؤرک تیکر (زن برای شیطان کلاه می‌دوزد)
افعال و سایر واژه‌های مرتبط با زن	زنی خوبه که نان بپزد آتش تو آتش‌دان بریزد
واژه‌های خویشاوندی	قیز آنادان اؤیود آلاز (دختر از مادر یاد می‌گیرد)
دشواژه‌ها	مرد رود (آهن) است و زن رودبند (زغال).

۶-۲. تحلیل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در سطح تفسیر

در سطح تفسیر، بر عمل گفتمانی و نظم گفتمانی که در ضرب‌المثل‌های زنان حاکم است، نحوه توزیع مقوله‌های تشکیل‌دهنده نظم گفتمانی و نحوه استفاده از آن در زبان مورد نظر تأکید می‌شود.

۶-۲-۱. نظام خویشاوندی

از دیدگاه (هاشمی، ۱۳۸۸: ۹۶) نظام خویشاوندی در گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان نظم گفتمانی غالبی است که سایر مفاهیم، واژه‌ها، معانی و ساختار این گفتمان را تحت‌الشعاع قرار داده‌است. مفهوم نظام خویشاوندی از مردم‌شناسی برگرفته شده و وجود روابط میان نسل‌ها و مجموعه‌ای از پیوندهای خونی (قرابت نسبی)، قراردادی (قرابت سببی) یا حقوقی (فرزندخولندگی) را بیان می‌کند. بنابراین تعریف نگارندگان به دو نوع خویشاوندی (زن در نقش‌های همسر و دختر نظر داشته و براین‌اساس به تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند.

۶-۲-۱-۱. زن در نقش همسر

زن در نقش نخستین و رکن اصلی خانواده به شمار می‌رود، که نقش وی در زندگی مشترک بسیار مهم و حیاتی است. (۴۷. ۲۵ درصد) از افشار و (۱۲. ۴۲ درصد) از رحیمی‌نیا و (۱۴. ۳۲

درصد) از حقیقت سمنانی به توصیف زن و ویژگی های وی اختصاص یافته است. در زیر مثال هایی بیان می شود:

۲-۱-۲-۶. زن در نقش دختر

نمونه هایی از هر سه فرهنگ برای این مقوله در ذیل ارائه می شود:

- مین خالا بیغیلسا، بیر آنانین یئرینی وئرمز (هزاران خاله جای مادر را نمی تولند پرکند)
- بیر قیز بیر اوغلانیندیر (هر دختری برای یک پسر است)
- دختر آن بهتر که از مادر نژاد.

۲-۲-۶. بازنمایی زن

زن در ضرب المثل های فارسی و ترکی به چهار صورت مثبت، منفی، مثبت/منفی و خنثی توصیف و بازنمایی شده است.

۱-۲-۲-۶. بازنمایی زن در ضرب المثل های ترکی آذری

از میان ۷۵۰ ضرب المثل جمع آوری شده تنها ۲۲۰ مورد به بازنمایی زن در ضرب المثل های ترکی آذری اختصاص دارد. جدول (۲) فراوانی انواع بازنمایی زن در ضرب المثل های ترکی آذری را نشان می دهد. نکته قابل ذکر دیگر، در رابطه با نقش های اجتماعی زن می باشد. پربسامدترین نقش های مطرح شده در ضرب المثل های منتخب عبارتند از: زن، مادر و دختر.

جدول ۲. فراوانی انواع بازنمایی زن در ضرب المثل های ترکی آذری

ردیف	بازنمایی	فراوانی	درصد
۱	مثبت	۷۱	٪ ۳۲/۲۷
۲	منفی	۶۷	٪ ۳۰/۴۵
۳	مثبت/منفی	۳	٪ ۱/۳۶
۴	خنثی	۷۹	٪ ۳۵/۹۰
۵	جمع کل	۴۸۵	٪ ۱۰۰

بازنمایی مثبت:

- ارزشمند بودن: ۲۲ مورد
- حضور زن در خانه: ۱۱ مورد

- تقابل مرد و زن و برتری زن: ۹ مورد
- ستایش زن خوب: ۶ مورد
- مادر و اهمیت نقش او: ۶ مورد
- صبوری: ۵ مورد

چند مورد از این ضرب‌المثل‌ها در زیر ارائه شده است:

- ✓ آنا صبری بؤیوکدور (صبر مادر بزرگ است)
- ✓ مین خالا ییغیلسا، بیر آنانین یئرینی وئرمز (هزاران خاله جای مادر را نمی‌تواند پرکند)
- ✓ آناسیندان آیریلان قوزونو قورد یئیر (بره جداشده از مادر را گرگ می‌خورد)
- ✓ کیشی فهله دیر، آرواد بنا (مرد کارگر است و زن بنا)

بازنمایی منفی: محتوای بازنمایی منفی که شامل ۶۷ (۳۰/۴۵٪) مورد ضرب‌المثل می‌باشد به صورت زیر است:

- ناتوانی زن از انجام امور: ۱۲ مورد
- حراف بودن: ۸ مورد
- مکر (حیله‌گر): ۷ مورد
- نکوهش زن بد: ۵ مورد
- مشکلات داشتن: ۴ مورد
- ناسازگاری مادر شوهر و عروس: ۴ مورد
- بیرون‌گردی: ۳ مورد
- ازدواج: ۳ مورد
- عدم تدبیر: ۲ مورد
- قدرت ویرانگر زن: ۲ مورد
- زن سستی: در ۱۷ مورد باقی مانده از بازنمایی منفی زن، به موضوعاتی مانند برتری فرزند پسر بر دختر، عدم رازداری، بی‌بندوباری و... اشاره شده است.

چند مورد از این ضرب‌المثل‌ها در زیر ارائه شده است:

- ✓ آروادین آخیر حیله‌سی آغلاماقدیر (حیله آخر زن، گریه اوست)
- ✓ آرواد شیطانا بؤرک تیکر (زن برای شیطان کلاه می‌دوزد)
- ✓ گزه گن قیزدان گلین اولماز (از دختری که بیرون‌گرد است، عروس در نمیاد)

- ✓ دول آرواد ائوده اوتورماز (زن بیوه خونه نشین نمی شود)
- ✓ آروادی بد اولانین ساققالی تنز آغارار (ریش مردی زود سفید می شود که زن بد دارد)
- ✓ گلینین دیلی یوخ، قاینانین ایمانی (عروس زبان ندارد، مادر شوهر ایمان)

بازنمایی مثبت/منفی

محتوای بازنمایی مثبت/منفی که شامل تنها ۳ (۱/۳۶٪) مورد ضرب المثل می باشد بیان می کند که زن ها یا خوب هستند که به نوبه خود باعث پیشرفت و ترقی مرد می شوند و یا بد هستند و عامل بدبختی مردان می شوند:

- ✓ آرواد وار، ائو ییغار، آرواد وار، ائو ییخار (زنی داریم که خانه جمع می کند، زنی هم هست که آن را ویران می کند)
- ✓ گلین وار که لر گتیرر، گلین وار گئدر-ایتیرر (عروسی داریم که با خود خیروبرکت می آورد، عروسی هم هست که برکت را می برد)

بازنمایی خنثی

محتوای بازنمایی خنثی که شامل ۷۹ (۳۵/۹۰٪) مورد ضرب المثل می باشد، هیچ گونه قضاوت و حکم ارزشی در مورد زن چه مثبت و چه منفی به چشم نمی خورد. نکته جالب اینجاست که این نوع بازنمایی با ۷۹ مورد، بیشترین بازنمایی را داشته است:

- ✓ قیز آنادان اوپود آلاز (دختر از مادر یاد می گیرد)
- ✓ بیر قیز بیر اوغلانیندیر (هر دختری برای یک پسر است)

۲-۲-۲-۶. بازنمایی زن در ضرب المثل های فارسی

از میان ۱۰۶۷ ضرب المثل جمع آوری شده تنها ۴۸۵ مورد به بازنمایی زن در ضرب المثل های فارسی اختصاص دارد. فراوانی بازنمایی زن در زبان فارسی مطابق جدول (۳) می باشد. پربسامدترین نقش های مطرح شده در این زبان نیز عبارتند از: زن، مادر و دختر.

جدول ۳. فراوانی انواع بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های فارسی

ردیف	بازنمایی	فراوانی	درصد
۱	مثبت	۷۲	٪ ۱۴/۸۴
۲	منفی	۲۳۶	٪ ۴۸/۰۴
۳	مثبت/منفی	۲	٪ ۱/۰۳
۴	خنثی	۱۷۵	٪ ۳۶/۰۸
۵	جمع کل	۴۸۵	٪ ۱۰۰

بازنمایی مثبت:

- گرامی بودن: ۱۶ مورد
- ارزش والا داشتن: ۱۵ مورد
- قدرت زن: در ۱۳ مورد
- تقابل زن و مرد و برتری زن: ۱۰ مورد
- فعالیت در محیط خانه: ۸ مورد
- زیبایی: ۷ مورد

چند مورد از این ضرب‌المثل‌ها در زیر ارائه شده است:

- ✓ زنی خوبه که نان بپزد آتش تو آتش دان بریزد.
- ✓ اگر کار زنان هر روزه باشد/ سگان و گربه‌ها را جامه باشد.
- ✓ خوشگلی واسه زنه، کچلی مال مرد
- ✓ هر کس چادر سر خود کرد، زن نمی‌شود.
- ✓ کلید عقل مرد به دست زن اوست.
- ✓ مرد رود (آهن) است و زن رودبند (زغال).
- ✓ بچه از پدر یتیم است، از مادر اسیر.
- ✓ خدا ننه‌ات را حفظ کنه که بابا زیاده.

بازنمایی منفی: محتوای بازنمایی منفی که شامل ۲۳۶ (٪ ۴۸/۰۴) مورد ضرب‌المثل

می‌باشد به صورت زیر است:

- بی‌بند و باری: ۲۷ مورد
- عدم وفاداری: ۱۹ مورد

- موجودی حیلہ گر: ۱۸ مورد
 - اھمیت زیبایی: ۱۵ مورد
 - ناتوانی از انجام امور: ۱۴ مورد
 - عدم عقلانیت: ۱۲ مورد
 - بی ارزش دانستن فرزند دختر: ۱۱ مورد
 - عدم رازداری: ۹ مورد
 - سوژہای فرودست در مقایسہ با مرد: ۸ مورد
 - ازدواج و جھیزیہ زن: ۸ مورد
 - مال و دارایی: ۵ مورد
 - خشونت علیہ زن: ۵ مورد
 - زن ستیزی: در ۸۵ مورد باقی مانده موضوعات مختلفی وجود دارد کہ شامل ابزار لذت، نحس بودن، مسائل و مشکلات بیوہ زن، منع عشق بہ زنان، دشمنی عروس با خانوادہ شوھر و یا داماد با مادرزن و ... می باشند.
- چند مورد از این ضرب المثلها در زیر ارائه شده است:
- ✓ از دیوار خیس و چاقوی تیز و زن هیز الحذر.
 - ✓ در همه معنی سرشت زنان جهان از حیلت است.
 - ✓ گریه زن، مکر زن است.
 - ✓ فلک از مکر زن صد ناله دارد.
 - ✓ خدا کند مار دو سر بیاری، دختر نیاری.
 - ✓ اگر کدخدا زن باشد، میگه بزها را سالی دوبار بچینن.
 - ✓ دختر آن بهتر که از مادر نژاد.
 - ✓ پیچ دهان زن هرز است.
 - ✓ ابله شده‌ای زن وفا می طلبی؟
 - ✓ وفا از زن مجو، زن بی وفاست.
 - ✓ حیلہ آخر زن، گریه اوست، زنان را نیست چیزی بہتر از شوی.
 - ✓ زمین شوره را ہرگز نکن کشت / اگر مفتت دهند نستون زن زشت.

بازنمایی مثبت / منفی

محتوای بازنمایی مثبت / منفی کہ شامل تنها ۲ (۱/۰۳) مورد ضرب المثل می باشد:

- ✓ زن جنس غریبی است عاقل‌ها را دیوانه و دیوانه‌ها را عاقل می‌کند.
- ✓ زن خوب مرد را به دولت می‌رساند و زن بد مرد را خانه خراب می‌کند.

بازنمایی خنثی

محتوای بازنمایی خنثی که شامل ۱۷۵ (۳۶/۰۸٪) مورد ضرب‌المثل می‌باشد، موضوعات مختلفی را شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان به تعدد زوجین، چگونگی پوشش زن، نصیحت‌هایی در باب ازدواج دختران و پسران، و چگونگی رفتار زن و شوهر با یکدیگر اشاره نمود:

- ✓ زن میبری برادرش را ببین، زمین میخوری مرز و همسایه‌اش را ببین
- ✓ چادر، سنگر زن است.

۳-۲-۶. قدرت و ایدئولوژی

از نظر فرکلاف نقطه عطف تحلیل گفتمان انتقادی، توجه به نقش روابط قدرت و نابرابری‌ها در ایجاد مشکلات اجتماعی و توجه به جنبه‌های گفتمانی آن روابط است. می‌توان گفت باورها و گرایشاتی که با منافع گروه‌های اجتماعی خاصی در ارتباط هستند، تبدیل به باورها و گرایش‌های عمومی می‌شوند و بر زندگی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند. فرکلاف بر این باور است که قدرت همیشه سلطه‌آور و سرکوب‌گر است و باعث می‌شود فرد یا گروهی بر افراد و یا گروهی دیگر سلطه داشته باشند. فرکلاف، ایدئولوژی را عنصری اساسی در فرایند مسلط شدن گروه‌های اجتماعی خاص می‌داند.

نمایش قدرت و نقش‌های مختلف زن

نمونه‌های زیر برتری و قدرت بیشتر زن در برابر مرد را در توانایی‌های فکری او بیان می‌کنند:

- آنا صبری بؤیوکدور (صبر مادر بزرگ است)
- مین خالا بیگیلسا، بیر آنانین یئرینی وئرمز (هزاران خاله جای مادر را نمی‌تواند پرکند)
- کیشی فهله دیر، آرواد بتا (مرد کارگر است و زن بتا)
- بهشت زیر پای مادران است.
- کلید عقل مرد به دست زن است.

نمونه‌های زیر قدرت و برتری مرد در برابر زن را در توانایی‌های جسمی او بیان می‌کنند:

- مرد رود (آهن) است و زن رودبند(زغال).
- زنان را نیست چیزی بهتر از شوی.

- حیلۀ آخر زن، گریه اوست

۶-۲-۴. نمایش ایدئولوژی

(فرکلاف، ۱۹۹۲: ۹۳) ایدئولوژی را معنا در خدمت قدرت می‌داند. از جمله مواردی که نشان‌دهنده این مفهوم است می‌توان به دو ضرب‌المثل زیر اشاره کرد:

- گلینین دیلی یوخ، قاینانانین ایمانی (عروس زبان ندارد، مادر شوهر ایمان)
- از دیوار خیس و چاقوی تیز و زن هیز الحدر

۶-۲-۴-۱. تحلیل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در سطح تبیین

گاهی برای ایجاد ضرب‌المثل‌ها از ویژگی‌های دیگر متون‌ها و گفتمان‌ها مانند متون ادبی، تاریخی و ... استفاده کرده و با آن‌ها تلفیق می‌شود و این گفتمان به وجود می‌آید که در واقع به آن‌ها بینامتنیت گفته می‌شود. در این خصوص می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

- بهشت زیر پای مادران است. (جنبه مذهبی)
- زمین شوره را هرگز نکن کشت/ اگر مفتت دهند نستون زن زشت. (جنبه ادبی)
- گلین وار گه لر گتیرر، گلین وار گئدر-ایتیرر (عروسی داریم که با خود خیروبرکت می‌آورد، عروسی هم هست که برکت را می‌برد). (جنبه تاریخی)

۷. تحلیل ساختار گفتمانی ضرب‌المثل‌های ترکی آذری و فارسی

۷-۱. تحلیل ضرب‌المثل‌های ترکی آذری

در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری، ۴۴/۶۳٪ از ضرب‌المثل‌ها مربوط به دختر است؛ زن در نقش همسر نیز با ۳۲/۰۸٪ پس از دختر بیشترین تعداد ضرب‌المثل‌ها را به خود اختصاص داده است و پس از آن زن در نقش مادر با ۱۱/۷۳٪ بالاترین تعداد ضرب‌المثل‌ها را داراست. مطابق جدول (۲)، در پاسخ به سؤال ارائه شده در بخش انتهایی مقدمه، می‌توان گفت که بیشترین بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری از نوع خنثی می‌باشد، بنابراین تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری به ندرت دیده می‌شود. با تحلیل این ضرب‌المثل‌ها، زن در فرهنگ ترکی آذری دارای جایگاهی والا و ارزشمند می‌باشد. توانایی و قدرت زن چه به عنوان همسر و چه به عنوان مادر ستودنی است. از آنجایی که تحلیل گفتمان انتقادی به‌خصوص رویکرد فرکلاف در جستجوی مناسبات قدرت می‌باشد، باید گفت که قدرت نه تنها بین زن و

مرد تقسیم شده است، بلکه بین زنان براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند نیز تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی مادرشوهر بیشترین قدرت و عروس کمترین قدرت را دارا هستند. براساس این نتایج به نظر می‌رسد که جامعه ترکی آذری زبان آذربایجانی از این قاعده فرودستی زن در جامعه تقریباً مستثنی می‌باشند. نتایج این پژوهش نظم اجتماعی ویژه‌ای را در جامعه ترکی آذری زبان نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد در آن، روابط قدرتی به صورت تقریباً یکسانی بین زنان و مردان تقسیم شده است و البته مردان بدون قدرت بیشتر و یا مزیت خاصی در نظر گرفته می‌شوند.

۷-۲. تحلیل ضرب‌المثل‌های فارسی

در ضرب‌المثل‌های فارسی، زن در نقش همسر با ۶۱/۴۳٪ بیشترین تعداد ضرب‌المثل‌ها را دارا می‌باشد. پس از آن زن در نقش دختر با ۱۹/۰۵٪ و زن در نقش مادر با ۸/۳۴٪ بالاترین تعداد ضرب‌المثل‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. مطابق جدول (۳)، بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های فارسی در اکثر موارد منفی بوده و به شدت تحت تأثیر نظام مردسالاری می‌باشد. در زبان فارسی به عنوان نمونه می‌توان به نمود خشونت علیه زنان در ضرب‌المثل‌ها اشاره نمود. مشکلی که عمیقاً ریشه در نظام مردسالار دارد، نظامی که در آن نوع خاصی از مناسبات قدرت پدید آمده است که زن خود را در جایگاهی فرودست می‌بیند. از زنان انتظار می‌رود که با ارائه خدمات خانگی به شوهران خود خدمت کنند و انجام ندادن این وظایف منجر به برانگیختن خشم وی می‌شود؛ و یا ضرب‌المثل‌هایی که زنان را تحقیر و ظرفیت‌های آن‌ها را تکذیب می‌کنند. در این نوع ضرب‌المثل‌ها ظرفیت‌های فردی زن کوچک شمرده می‌شود، آن‌چنان‌که بسیاری از ضرب‌المثل‌ها به سادگی بیان می‌کنند که زن‌ها هیچ ذهن روشنی ندارند، ذهن، فهم، شعور، استعداد، دانش و همه ظرفیت‌های ایشان کوچک و بی‌اعتبار است. و یا آن دسته از ضرب‌المثل‌هایی که علیه زنان هشدار می‌دهند و ترس تأثیرات مخربانه ایشان را بیان می‌کنند.

۸. نتیجه‌گیری

با مقایسه یافته‌ها در دو زبان ترکی آذری و فارسی به چند نکته دست پیدا کردیم که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است. در ضرب‌المثل‌های فارسی، زن در نقش همسر مرد بیشترین بازنمایی را داشته و بعد از آن به ترتیب دختر و مادر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. اما در ترکی آذری این گونه نمی‌باشد. اول اینکه بیشترین بازنمایی از نوع خنثی می‌باشد و دوم اینکه در این فرهنگ

دختر بیشترین بازنمایی را از آن خود کرده است و بعد از آن زن در نقش همسر مرد و مادر رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

در هر دو زبان، زنان در عرصه عمومی هیچ‌گونه کارکردی ندارند، اما در عرصه خصوصی دارای دو نقش کارکردی مهم یعنی مادری و همسری هستند. بازنمایی زنان در قلب نقش همسری را می‌توان در مقوله‌هایی همچون کدبانویی، همسرمداری، تکیه بر شوهر، زیبایی و آراستگی، رعایت مقررات خانواده شوهر و پرهیز از اختلاف با آنان قرار داد. اما نقش مادری به اندازه نقش همسری زنان مورد تأکید نبوده است. مهم‌ترین مقولات مرتبط با مادر، رسالت آنان در نگهداری و تربیت فرزندان می‌باشد.

برخی از خصوصیات منتسب به زن فرافرهنگی می‌باشند و به فرهنگ خاصی تعلق نداشته بلکه تا حدی می‌توان گفت جزء ویژگی‌های جهانی محسوب می‌شوند. وجود وحدت در برخی نظم‌های گفتمانی در این دو گونه زبانی از قبیل ناتوانی از انجام امور، نقصان عقلی و عدم تدبیر، مکر، بی‌بند و باری، اهمیت ازدواج، زیبایی، وابستگی مالی وی به مرد و لزوم حضور وی در خانه همگی شواهدی بر این ادعا محسوب می‌شوند.

آنچه به‌عنوان محتوا در این ضرب‌المثل‌ها عرضه می‌شود، ریشه در باورها و ارزش‌هایی دارد که فرهنگ عامه را شکل می‌دهند. این ارزش‌ها را گفتمانی خاص تأیید و تشویق می‌کند که همان گفتمان سنتی است. در جوامع سنتی، هنگام تولد یک دختر از ابتدا مسیر مشخصی در چارچوب نقش‌های سنتی برای او تعریف می‌کنند که ایده‌آل این نقش پس از سن بلوغ، نقش همسری و در نهایت مادری است. در این جوامع زن باید قابلیت باروری خود را نشان دهد، نقش‌ها در این جوامع تا حد زیادی تحمیلی است، مثل نوع ازدواج و نوع همسرگزینی. اما ایران و به‌خصوص شهر تهران را نمی‌توان یک جامعه سنتی دانست، زیرا برخلاف آنچه گفته شد، کمتر شاهد دخالت جامعه در ازدواج و بچه‌دار شدن دختران هستیم و هر دو جنس از آزادی عمل برخوردارند. در این جامعه، اشتغال زنان و خروج آن‌ها از خانه، و مشارکت مرد با همسر در امور خانه‌داری امری کاملاً پذیرفته شده است، در صورتی که در جوامع سنتی این‌گونه امور، خلاف تلقی می‌شد. جامعه ایران به عنوان جامعه در حال گذار معرفی می‌شود، تهران نیز به عنوان بخشی از جامعه ایران، به خوبی این تغییرات را در زبان و فرهنگ خود به نمایش گذاشته است. ضرب‌المثل‌ها محصول جامعه سنتی هستند و کاربرد آن‌ها در زمان حال، که منجر به بازتولید ایدئولوژی و ارزش‌های گفتمان مولد خود می‌شود، بیانگر آن است که جامعه سعی در

حفظ یک سری ارزش‌های سنتی دارد، و جنسیت و نوع نگاه به زن نیز بخشی از این ارزش‌ها محسوب می‌شود.

یافته‌ها نشان داد که در بیشتر ضرب‌المثل‌های زبان ترکی آذری ۷۹ مورد از مجموع ۲۲۰ ضرب‌المثل ترکی آذری گردآوری شده، زن به صورت خنثی بازنمایی شده است و همان‌طور که پیشتر گفته شد در این‌گونه بازنمایی هیچ‌گونه قضاوت و داوری درباره‌ی زن صورت نمی‌گیرد. در کل، تحلیل ضرب‌المثل‌های ترکی آذری مشخص کرد که زن در فرهنگ ترکی آذری جایگاهی والا داشته و توانایی و قدرت او چه در جایگاه همسر و چه در جایگاه مادر قابل ستایش است. همچنین، می‌توان گفت که در جامعه‌ی ترکی آذری زبان، قدرت نه تنها بین زن و مرد تقسیم می‌شود، بلکه بین زنان نیز براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند تقسیم می‌شود.

همچنین درباره‌ی چگونگی بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های فارسی در چارچوب فرکلاف، یافته‌ها نشان می‌دهد که در ۲۳۶ مورد از مجموع ۴۸۵ ضرب‌المثل فارسی گردآوری‌شده زن به صورت منفی بازنمایی شده است که براساس محتوا به مقولاتی مثل «زن و بی‌بند و باری، زن به عنوان موجودی حيله‌گر، زن و ناتوانی وی از انجام امور، زن و عدم عقلانیت، زن و عدم رازداری، زن و اهمیت زیبایی، زن به عنوان سوژه‌ای فرودست در مقایسه با مرد، زن و عدم وفاداری، ازدواج و جهیزیه‌ی زن، مال و دارایی زن، خشونت علیه زن، زن‌ستیزی» دسته‌بندی می‌شوند. همچنین پر تکرارترین نقش‌های مطرح شده برای زن عبارتند از: زن در مقام همسر مرد، دختر و مادر. تحلیل این ضرب‌المثل‌ها در چارچوب رویکرد فرکلاف نشان داد که ضرب‌المثل‌های فارسی تحت تأثیر نظامی مردسالارانه تولید می‌شوند که در آن اقتدار مردانه از طریق نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن را زیر ستم قرار می‌دهد.

سوال دوم این مقاله نیز درباره‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی آذری از نظر بازنمایی زن بود. یافته‌ها نشان داد که بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی بیشتر از نوع منفی بوده و بیشترین بازنمایی مربوط به زن در نقش همسر مرد بوده است؛ درحالی‌که در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری بیشترین بازنمایی از نوع خنثی بوده و نیز دختر بیشترین بازنمایی را از آن خود کرده است. درون‌مایه‌ی ضرب‌المثل‌های هر ۲ گونه‌ی زبانی، تداعی‌گر نوعی از گفتمان سنتی است. به‌علاوه، مشخص شد برخی از خصوصیات منسوب به زن از قبیل «ضعف و عدم کارایی وی در انجام امور خانه، نقصان عقلی و عدم صلاحیت وی در مشورت کردن درباره‌ی امور مهم زندگی، مکر زن، بی‌بند و باری و بیرون‌گردی زن، اهمیت مقوله‌ی

ازدواج برای زن، زیبایی، وابستگی مالی وی به مرد و لزوم حضور وی در خانه» فرافرهنگی بوده و شاید بتوان گفت جهانی است. جدول (۴) به این موضوع اشاره دارد.

جدول ۴. پرتکرارترین ویژگی های گفتمانی در ضرب المثل های ترکی آذری و فارسی

زبان فارسی	زبان ترکی آذری	نظم های گفتمانی در ضرب المثل ها
گرامی بودن زن، ارزش والای زن، قدرت زن، تقابل زن و مرد و برتری زن، زن و فعالیت، زن و زیبایی	زن و ارزشمندبودن، زن و حضور وی در خانه، تقابل مرد و زن و برتری زن، در ستایش زن خوب، مادر و اهمیت نقش وی، زن و صبوری	ویژگی های مثبت
بی بندوباری، موجودی حيله گر، ناتوانی از انجام امور، عدم عقلانیت، عدم رازداری، زن و اهمیت زیبایی، سوژه های فرودست در مقایسه با مرد، عدم وفاداری، ازدواج و جهیزیه زن، مال و دارایی زن، خشونت علیه زن، زن ستیزی	ناتوانی وی از انجام امور، حرآف بودن، زن و زیبایی، ناسازگاری مادرشوهر و عروس، نکوهش زن بد، بیرون گردی، زن و ازدواج، مکر، عدم تدبیر، زن و قدرت ویرانگر او	ویژگی های منفی

در برخی موارد برخورد ضرب المثل ها به مقوله جنسیت یک برخورد مستقیم و خطی نیست که بتوان با یک خوانش ساده، نشانه های جنسیت زدگی را کشف کرد. شیوه ای که در این مقاله برای این کار استفاده شده است، خود شاهدهی بر این مدعاست. در این شیوه با کشف نظم های گفتمانی مرتبط با جنسیت، تجزیه و تحلیل این نظم ها و تعیین ارتباط این گفتمان ها با ساختارهای اجتماعی، همگی در رسیدن ما به این نتیجه گیری دخیل بودند.

بعضی از ضرب المثل های منتخب نشانه های جنسیت زدگی را به صورت ساده و مشخص ارائه کرده اند، از قبیل: «زن یعنی بزن» و یا «زن ناقص العقل است»؛ اما در برخی دیگر، جنسیت زدگی با بررسی لایه های زیرین قابل درک می باشد. در ضرب المثل های منتخب گاه برخوردی دوگانه با زن و به طور کلی با مقوله جنسیت مشاهده می شود. به عنوان مثال از یک سو بر لزوم وجود زن در محیط خانه تأکید می کنند: «خانۀ بی زن به گورستان ماند» و از سوی دیگر در مورد بدی های زن هشدار می دهند: «از بدی های زن مشو ایمن / گرچه از آسمان نزول

کند». به نظر نگارندگان، توجیه این دوگانگی را باید در خود جامعه جست؛ زیرا که ضرب‌المثل‌ها در جریان زندگی به وجود آمده و برخاسته از تجربه‌های افراد آن جامعه‌اند. بنابراین این دوگانگی در جامعه وجود دارد و ضرب‌المثل‌ها تنها منعکس‌کننده این امر بیرونی هستند. همان‌طور که اشاره شد بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های فارسی بیشتر از نوع منفی است. بسیاری از آن‌ها از ترس مردها درباره غیرقابل کنترل بودن زن‌ها ناشی می‌شود. هر ملتی تجربیات درست یا نادرست خود را در قالب عبارتی بیان می‌کند و از طرفی همگی ما خودآگاه یا ناخودآگاه از ضرب‌المثل‌ها تأثیر می‌پذیریم. با وجود تفاوت‌های محلی یا ناحیه‌ای یا حتی با وجود پیشرفت‌های تاریخی باز هم نمی‌توانیم تأثیر آن‌ها در زندگی خود را نادیده بگیریم. بنابر آنچه که گفته شد، پیامد این نوع بازنمایی و کاربرد این نوع ضرب‌المثل‌ها در جوامع فارس زبان می‌تواند این باشد که خصوصیات منفی منسوب به زنان که در این ضرب‌المثل‌ها تولید شده است، با هر بار به کار بردن آن‌ها، این ویژگی‌ها بازتولید شده و به عبارتی بر درستی آنان صحه گذاشته می‌شود. در چنین جوامعی نمی‌توان انتظار داشت که نگرشی یکسان به زن و مرد به عنوان دو موجود هم ارزش وجود داشته باشد.

فهرست منابع

- افشار، طاهره؛ عبدی بلوکانی، مریم. (۱۳۹۹). «واکاوی تعامل انسان و طبیعت در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی بوم‌گرا»، پژوهش‌های زبانی، سال ۱۱، شماره ۲ (۱۵).
- افشار، نورعلی. (۱۳۹۶). ضرب‌المثل‌های ترکی آذری، تهران: رهام اندیشه.
- ایمانی، آسیه؛ زاهدی، کیوان. (۱۳۹۳). «زن در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات فارسی: بررسی پیکره بنیاد عامل انسجام از دیدگاه تحلیل گفتمان»، مجله زبان شناخت، شماره ۵ (۱)، صص ۳۵-۵۳.
- تقی زاده، محمدحسن. (۱۳۹۸). «بررسی و مطالعه دیدگاه‌های تحلیل گفتمان انتقادی»، سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ.
- جمالی قهدریجانی، اشرف. (۱۳۹۹). «سیمای زن در ضرب‌المثل‌ها»، هشتمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- حقیقت سمنانی، محمد علی. (۱۴۰۰). ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی، تهران: امید رهاوی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره (۳۰)، ۸ (۲).

- _____ (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران، معین.
- رحیمی‌نیا، مصطفی. (۱۳۹۵). فرهنگ ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه، تهران: کتابسرای عادل.
- رضاپور، ابراهیم. (۱۳۹۹). «نقش جنسیت در تنوع زبانی در ترجمه‌های فارسی کتاب مسخ اثر فرانکس کافکا: تعامل میان زبان‌شناسی اجتماعی و دستور زایشی». *مجله جستارهای زبانی*، ۱۱(۶).
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ ابوحوزه، سیمین. (۱۳۹۹). «بررسی جامعه‌شناختی اثرات مواجهه با کلیشه‌های جنسیتی بر موقعیت نابرابر زنان در خانواده (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)». *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۷ (۱۶)، صص ۳۹-۹.
- زارعی فرد، رها؛ محبی، نسترن. (۱۴۰۰). «رابطه جنسیت و زبان در شعر فروغ فرخزاد». *نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی*، تهران.
- شهریاری، منصوره؛ جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ جودی نعمتی، اکرم. (۱۳۹۹). «جایگاه زنان در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف». *مجله زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۸(۴)، صص ۵۹۹-۵۷۹.
- صادقی، فاطمه. (۱۳۹۲). *جنسیت در آرای اخلاقی از قرن سوم پیش از میلاد تا چهارم هجری*، تهران: نگاه معاصر.
- فاطمی، جمیله. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصلنامه کهن‌نامه ادب فارسی*، سال دوم. شماره بهار و تابستان. فروتن، یعقوب. (۱۳۹۹). «کلیشه‌های جنسیتی در ایران بر پایه رویکرد اجتماعی و جمعیت‌شناختی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳۱ (۳).
- فیض‌الهی، علی؛ گندمی، نسرين. (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای برخی از ضرب‌المثل‌های پرکاربرد در زبان‌های فارسی و اسپانیایی»، *مجله پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی*، دوره (۹)، شماره (۲)، صص ۵۶۵-۵۸۴.
- کریمی، جلیل، قلی‌پور؛ سیاوش؛ علی‌مرادی، زینب. (۱۳۹۹). «بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های «لکی»»، *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، شماره ۴(۲)، ۸۸-۶۵.
- مقداری، صدیقه سادات؛ جلیلی، وحیده. (۱۴۰۰). «رابطه محتوایی ضرب‌المثل‌ها و عوامل محیطی موثر بر شکل‌گیری آن‌ها». *نهمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی*، تهران.

- میرزایی، حسین؛ پروین، امین. (۱۳۸۹). «مطالعات فرهنگی و صورت‌بندی دوگانه نظری – روش‌شناختی در بازنمایی دیگری»، نشریه برگ فرهنگ، شماره (۲۲)، ۲۳-۸.
- میرشجاعی، آناهیتا؛ خلیلی‌زاده گنج‌علیخانی؛ مرضیه؛ عطارزاده، سارا. (۱۳۹۳). «رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در نقد ترجمه»، اولین همایش ملی زبان انگلیسی، ادبیات و ترجمه در آموزش و پرورش، میبد.
- هاشمی، سید علیرضا. (۱۳۹۹). «بررسی نظام خانواده در روستای روشنابدر طالقان»، فصل‌نامه نجوای فرهنگ، ۴ (۱۴).
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.

- Crystal, D. (1987). *The Cambridge Encyclopedia of Language*, 2nd edition, Cambridge University Press.
- Dzahene-Quarshie, J., & Omari, S. (2021). Viewing gender through the eyes of proverbs: Reflections of gender ideology in the Akan and Swahili societies. *Journal of Pragmatics*, 174, 128-142.
- Fairclough, N. (2013). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. Routledge.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*, London: Longman.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and social change*, London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Media discourse*, London: Longman.
- Hallin, A. E., & Van Lancker Sidtis, D. (2017). A closer look at formulaic language: Prosodic characteristics of Swedish proverbs. *Applied Linguistics*, 38(1), 68-89.
- Honeck, Richard P. (1997). *A Proverb in Mind: the Cognitive Science of Proverbial Wit and Wisdom*. Routledge: New York.
- Mansyur, F. A., & Suherman, L. A. (2020). The function of proverbs as educational media: Anthropological linguistics on wolio proverbs. *ELS Journal on Interdisciplinary Studies in Humanities*, 3(2), 271-286.
- Perangin-Angin, D. M., & Dewi, N. (2020). A study of Pagu proverbs: Saving an endangered language of North Halmahera. *Indonesian Journal of Applied Linguistics*, 10(2), 327-339.
- Seitel, P. (2021). 7. Proverbs: A Social Use of Metaphor. In *Folklore genres* (pp. 125-144). University of Texas Press.
- Uzokova, S. (2020). Principles of Discourse Analysis in Linguistics. *Журнал иностранных языков и лингвистики*, 1(1), 7-12.

**Analyzing the representation of women in Azeri and Persian proverbs
in Iran: from the perspective of critical discourse analysis**

Sepideh Mohammadi Jozani¹/Roya Sedigh Ziabari²

Abstract

The present article analyzes the position of women in Azeri and Persian proverbs in the framework of a critical discourse analysis based on Fairclough's model. This research is of a descriptive-analytical type, the purpose of which is to find out how women are represented in Azeri and Persian proverbs. The statistical population of this research is Turkish proverbs and Persian proverbs with the theme of women, which were purposefully collected from the books of Afshar (2016), Rahimi-Nia (2015), and Haqiqat Semnani (2021). The findings of the research show that the representation of women in Azeri proverbs is more neutral and the power between men and women is almost equally divided. But mostly the representation of women in Persian proverbs has been negative. Also, the most representation of women in Azeri proverbs 44.63% is related to girls and the most representation of women in Persian proverbs is related to women in the role of wife (63.41%). This research aims to show these books contain ideological processes.

keywords:

Critical discourse analysis, Fairclough's approach, gender, Turkish Azeri and Persian proverbs, women's position.

¹ Ph.D. Student of Linguistics, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

² Assistant Professor of Linguistics, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.